**انترناسیونال ۷۰۸**

**کاظم نیکخواه**

**بازی انتخاباتی در ایران!**

واژه انتخابات در جمهوری اسلامی بی ربط ترین واژه است. احزاب سیاسی مخالف روشن است که حق انتخاب شدن و انتخاب کردن ندارند. زنان حق کاندید شدن ندارند. مردم عادی که هیچ، حتی از موافقان و مدافعان و سینه چاکان شناخته شده حکومت خیلی ها حق انتخاب شدن ندارند. یعنی اگر کاندید شوند رد صلاحیت میشوند. خیلی هایشان کارنامه جنایات بسیاری را در سالهای گذشته در رکاب حکومت دارند اما هنوز توسط شورای نگهبان رد صلاحیت میشوند. چونکه الان با باند معینی نیستند. جالب اینست که بالاترین مقامات سابق حکومت مثل رئیس جمهور های سابق و نمایندگان سابق مجلس اسلامی و شهردار و فرماندار و برخی آیت الله ها هم رد صلاحیت میشوند! تازه بعد از همه این رد کردنها و محدود و ممنوع کردنها، این صندوق رای نیست که تصمیم میگیرد. بلکه نهایتا همان چهار پنج نفر شورای نگهبان و خامنه ای ها هستند که تصمیم میگیرند چه کسی از صندوق بیرون بیاید. تازه آنکس که رئیس جمهور میشود هرکس باشد چه گلی میخواهد بسر جامعه بزند؟ میخواهد یک سیستم کثیف دزدی و جنایت و تحجر اسلامی را چهار سال دیگر سرپا نگه دارد.

حکومت اسلامی واقعا حکومت مفتخوران کله خشکی است که مردم را صغیر و گله فرض میکنند. عقب مانده ترین جماعت بر بالای سر یک جامعه مدرن قرن بیستمی قرار گرفته اند و مثل داعش میخواهند جامعه را به عهد عتیق و سنت قبایل هزار سال قبل عربستان عقب بکشانند. اما جالب است که هر چه بیشتر تلاش کرده اند، بیشتر شکست خورده اند. جنایت زیاد میکنند اما مردم برایشان تره هم خرد نمیکنند. نه مذهب و اسلامشان را کسی رعایت میکند، نه دستورات و حرام و حلالهایشان را. مردم انسانند، مدرنند، میخواهند در قرن بیست و یکم زندگی کنند و رفاه و شادی و آزادی را حق خود میدانند و از آخوند و مذهب و تحکم و تحجر و تبعیض متنفرند.

مردم ایران انتخابات کذایی حکومت را هم در همین چارچوب می بینند. یعنی کسی نه توهمی به روحانی دارد و نه تردیدی در جنایت کاری رئیسی و بقیه. مردم ایران حتی کودکان میدانند و طی این سالها دیده اند که این ها چه موجودات خبیثی هستند. اما متاسفانه هنوز بخشی از مردم این حسابگریها را از دوخردادیها و روحانی چی ها و توده ای ها باور میکنند که اگر این یکی بیاید از آن یکی بهتر است. گویا جز انتخاب میان بد و بدتر راه دیگری برای مردم نیست. این اشتباه محض است.

مساله مهم اینست که باور کنیم که انتخابات این ها را میتوان به یک شکست سیاسی برای حکومت اسلامی تبدیل کرد. در عمل فرقی میان این آخوندها و جنایتکاران اسلامی نیست. همه ماهیتا جنایتکارند. هرکدام سر کار بیاید این اوضاع جامعه است که تعیین میکند چه سیاستی در پیش بگیرد. هرچه توازن قوا به نفع مردم باشد حکومتی ها حتی جنایتکارترینشان قدرت سرکوبشان کمتر میشود. بیاد بیاوریم که وقتی احمدی نژاد سرکار آمد میخواست بزند و ببندد و سرکوب کند. دولتش همه یک گله از نظامی کارها و شکنجه گران و تیرخلاص زنهای شناخته شده و حرفه ای حکومت بودند. اما چه شد؟ از همان ابتدا با سد مبارزه و نفرت مردم مواجه شد و مجبور شد برای خود خامنه ای لگدپرانی کند.

ما باید کاری کنیم که انتخابات این ها بی رونق باشد. باید پای صندوقهایشان را خالی کنیم. باید بدانیم که یک انتخابات بی رونق یعنی شکست حکومت و توازن را به نفع ما تغییر خواهد داد. موضع مردم را تقویت خواهد کرد. حتما یک مشت بسیجی و پاسدار را پای صنوقها میکشانند اما نمیتوانند ادعا کنند که مردم به آنها رای داده اند. و برعکس اگر حکومت بتواند نشان دهد که تنور انتخاباتش گرم شده است، مهر تاییدی برای حکومت گرفته است و جرات و جسارت و تعرضش بیشتر میشود.

این منطق ساده اوضاع در ایران است. ما مردم باید این را ببینیم و بر اساس آن عمل کنیم. ممکن است کسی بگوید این درست است ولی نمیتوانیم کاری کنیم. بحث بسادگی اینست که اول منطق اوضاع را بدانیم و باور کنیم. آن وقت حتما میتوانیم کاری موثر انجام دهیم. با منطق اشتباه نتیجه مثل همیشه قطعا اشتباه خواهد بود. نباید دنبال تبلیغات دو خردادیها و روحانی چی ها و انجمن اسلامی ها و خانه کارگری ها و توده ای ها افتاد که میخواهند فضای انتخابات را به نفع حکومت داغ کنند. اینها سی چهل سال است که وانمود میکنند رای دادن به نفع یک جناح واقعی ترین و امکان پذیر ترین کاری است که میشود کرد. باید محکم به همه اینها نه گفت و انتخابات حکومت را بطور واقعی به یک شکست برای حکومت اسلامی تبدیل کرد.